

باسمه تعالی

عنوان کرسی: نقش راهبردی سازواری اجتماعی امامان(ع) در استمرار حیات شیعه

ارائه دهنده: حجت الاسلام دکتر محمودرضا محمد دوست (مدرس جامعه المصطفی العالمیه)

ناقد اول: استاد ناصر باقری بیدهندی (هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه)

ناقد دوم: دکتر رمضان رضایی (دانشیار دانشگاه تهران)

مدیر کرسی: سید اباذر هاشمی (معاون پژوهشی دانشگاه مجازی المصطفی)

مکان: دانشگاه مجازی المصطفی

زمان: چهارشنبه (۱۹ مهر ۱۴۰۲)، ساعت ۱۲-۱۰

در این کرسی که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید، در ابتدا مدیر کرسی با ارائه ضوابط و نحوه مدیریت کرسی به تبیین مسئله پرداختند و سپس از حجت الاسلام دکتر محمد دوست به عنوان ارائه دهنده کرسی درخواست نمودند که مطالب خود را ارائه نمایند.

در ادامه، ارائه دهنده حجت الاسلام دکتر محمد دوست به بررسی رویکرد مدنظر خویش نسبت به موضوع کرسی پرداختند و موضوع را به شرح زیر بررسی نمودند:

از آنجا که باور شیعیان به "ضرورت رهبری معصوم و مخالفت با روند انتخاب و روش حاکمان پس از پیامبر(ص)"، موجب تمایز و عامل بدبینی حکومتها به ایشان گردید، تلاش گسترده علنی در جهت حذف و یا به حاشیه راندن ایشان و طبعاً محرومیت آنان از مزیت های اجتماعی و حقوق اساسی شان را به دنبال داشت، تا جایی که شیعیان زندگی خود را با تحمل انواع رنج و تبعیض سپری مینمودند. شیعیان در مواجهه با چنین وضعیتی کوشیدند با بهره گیری از اندیشه رهبران معصومشان، ضمن تثبیت جایگاه اجتماعی خود، در دراز مدت به اقلیتی منسجم حول باور امامت تبدیل شده و عملاً بر تفکر غالب فائق آیند. اگرچه پیشوایان شیعه، هیچگاه تسلیم شرایط سیاسی و اقتصادی نشدند، اما برای ایستادگی در برابر شرایط سخت، نیازمند در اختیار داشتن راهبردهای نرم فرهنگی برای دستیابی به نفوذ و اقتدار بودند، تا از این طریق، ضمن بهره برداری از فرصتهای به وجود آمده، با چالش های پیش رو مبارزه نمایند، هزینه های احتمالی ناشی از قدرت سیاسی را به حداقل رسانده

و موقعیت خود و شیعیان را تعالی بخشند. براین اساس، امامان تعیین کننده ترین نقش را در بازیابی هویت شیعه داشته و اساسی ترین عامل تحقق تحول ساختاری تشیع و تبدیل آن جمعیت پراکنده به سازمانی شکل یافته بوده اند، که توانسته اند کشتی طوفان زده شیعه را از طوفان حوادث سیاسی و اجتماعی به ساحل نجات عبور داده و مانع پراکندگی ایشان شوند. بدون در نظر گرفتن چنین پشتوانه محکمی، بقیه عوامل، کارائی خود را از دست میداد، بلکه حذف جایگاه امامت، عمیقترین نوع از بحران هویت برای شیعه را رقم زده و به استحاله و حتی اضمحلال آن می انجامید.

مناسبات اجتماعی از اصول اساسی پایداری زندگی، در برگیرنده روابط انسانی و به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه های مختلف اجتماعی است که بدون آن رسیدن به بسیاری از اهداف دشوار می باشد. مناسبات اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارهای جمعی و شبکه های انسانی را در بر میگیرد که با تسهیل اقدامات هماهنگ، موجب بهبود کارایی جامعه میشوند. نوع و میزان مناسبات اجتماعی به شدت متأثر از متن و شرایط اجتماعی است. اجتماعات متفاوت فرصت های گوناگون را به شکلی نابرابر در اختیار افراد و گروه ها قرار می دهند. تعامل، رواداری و تقابل انواع مناسبات اجتماعی می باشد که سازواری اجتماعی ذیل تعامل قرار می گیرد.

سازواری اجتماعی نقشی راهبردی در صلح، امنیت و اقتدار دارد، زیرا هسته اصلی استمرار حیات اجتماعی، به پیش شرط "مهارت سازواری" سخت نیازمند است به تعبیر دیگر با بهره گیری از آن، حداکثر ظرفیت های یک جامعه در ابعاد مختلف آن به کار گرفته شده و توانمندی های نهفته و بالقوه نیز به فعلیت در می آید. سازواری اجتماعی یک خیر همگانی است که تعهد افراد را از منافع فردی به منافع متقابل متوجه میکند؛ انگیزشی در افراد ایجاد میکند، که به حیطة وسیعی درباره ارزش ها، روابط و تعهدات اجتماعی پایبند شوند، با افزایش سازواری اجتماعی، مشارکت عمومی گسترش یافته، اعضای جامعه به تعاون در جهت سرنوشت مشترک ترغیب میشوند. صداقت، اعتماد، همبستگی اجتماعی، احساس همیاری شدت مییابد، درعین حال احساس بی تفاوتی کاهش یافته و افراد خود را در مشکلات اجتماعی مسئول میدانند، به گونه ای که تضعیف آن، میتواند منجر به اختلال در روابط عمیق اجتماعی گردد.

لغت نوپدید سازواری واژه ای فارسی است، که معادل *coping* یا *tolerance* و در لغت به معنای سازگاری، همراهی، رواداری، مدارا، معاهده، وحدت، اتفاق، وفاق، موافقت، همنوائی، تلائم، همزیستی مسالمت آمیز، تحمل و پرهیز از خشونت، تسامح و تساهل یا چشم پوشی از حقوق شخصی و مسائل فردی به کار رفته است. بنابراین مراد از این واژه در ادبیات امروز را میتوان چنین بدست آورد: وفاق اجتماعی یا عدم اعتراض، مداخله و ممانعت در رفتارها و باورهائی که مورد پذیرش شخص نباشد.

امامان شیعه (ع) راه های بسیاری برای سازگاری با فشارهای زندگی و در نتیجه استمرار حیات پیش روی شیعیان گذاشته اند، گرچه نمی توان ادعای انحصار نمود، اما شاید بتوان از میان مکانیسم های مهم راهبرد سازواری اجتماعی، به دو شیوه درخور؛

«تقویت همبستگی درونی شیعیان» و «افزایش همگرایی بیرونی با دیگران» اشاره کرد. همبستگی درونی نقشی اساسی در افزایش امید به زندگی در میان شیعه و احساس هویت و مفید بودن ایشان داشت، همچنان که همگرایی بیرونی احساس حضور، همراهی، تعامل و انعطاف تشیع بادیگران را نوید میداد.

استمرار حیات اجتماعی هر گروه، در گرو انسجام بین عناصر سازنده ساختار اجتماعی آن است. اتحاد اجتماعی که به معنای عبور افراد از منافع شخصی برای افزایش منافع جمعی است، نوعی سرمایه اجتماعی محسوب شده که توافق در اهداف، اندیشه ها، ارزشها، نمادها، هنجارها و نگرشهای مشترک، زمینه مقوم این انسجام است. همان طور که احساس گسست اجتماعی؛ بی تفاوتی، بی اعتمادی، ناامیدی، انزوا طلبی، تکروری، گریز از کار جمعی، گسیختگی پیوندهای اجتماعی و به خطر افتادن بقای جامعه را تقویت میکند، تقویت پهنه همبستگی درونی و برانگیختگی حس غرور مذهبی؛ زمینه ساز افزایش گرایش نسبت به هویت مذهبی، رشد فکری هم کیشان، آفرینش انرژی عاطفی، کاهش گرایش به هویت دیگر مذاهب و شدت عمل در برابر آزار ایشان و در نهایت تعلق، همبستگی و ثبات اجتماعی میگردد.

انتخاب راهکار همبستگی درونی به عنوان محور اساسی استمرار حیات شیعه، بر اساس نیازی تاریخی و از روی احساس مسؤولیت برای جلوگیری از گسیختگی جامعه شیعه بوده است؛ امامان در راستای تولید نفوذ اجتماعی شیعیان، خصوصاً در بزنگاه های حساس، آنها را دعوت به وفاق درونی مینمودند. امامان با بیان حقوق متقابل شیعیان در همدلی بین آنها تأکید داشتند و محبت واقعی به اهل بیت را به محبت به پیروانشان مشروط می دانستند.

کار جمعی مبنای تقویت وحدت درونی است. دستیابی به همبستگی درونی، بدون وجود چنین پیش شرط کلیدی امکانپذیر نیست. کار تشکیلاتی همواره در جایگاه یکی از ارکان اصلی همبستگی نقش آفرین بوده و می تواند مجموعه شرایط ذهنی و عینی همبستگی درونی را به شکل هویت مذهبی در آورده و زمینه های ذهنی انسجام درونی را فراهم سازد، البته روح کار جمعی، رهبری واحد آن است. از جمله اقدامات امامان که فرصت های تاریخی متعددی را پیش روی شیعه قرار داد و امکان بهره برداری های سیاسی و اقتصادی نیز داشت، ایجاد نقطه ای مرکزی برای توسعه ارتباطات درون مذهبی در قالب نهاد وکالت بود.

باتوجه به گستردگی و پراکندگی مراکز تجمع شیعیان، وجود سازماندهی منسجم ضروری بود، تا علاوه بر متصل کردن شیعیان به رشته امامت، همبستگی بین ایشان را برقرار ساخته و از این رهگذر آنان را مورد حمایت سیاسی اقتصادی قرار دهد. امامان در این نهاد پنهان، نمایندگانی از میان شخصیت های برجسته فکری شیعیان برگزیده و در مناطق مختلف منصوب می نمودند و از این طریق، اطلاعات جدیدی از وضعیت اجتماعی و معیشتی سراسر نقاط شیعه نشین دریافت می کردند، که این نوع مدیریت در کنار رابطه محکم شیعیان با قلب جهان تشیع یعنی امام، نظم جدید درونزایی برای شیعیان پدید آورد و جانی دوباره در کالبد متفرق و اجزای متشتت شیعه دمید.

همچنین متعهد بودن به رفع نیازهای هم‌کیشان، علاوه بر اعتماد لازم، جلوگیری از فروپاشی اجتماعی و فرهنگی شیعیان و کاهش گرایش ایشان به دیگر تفکرات غالب؛ بر تاب‌آوری و مدارای دردمندان افزوده و فردایی بهتر را نوید میداد تا با چنین حمایتی، قدرت مضاعف پیدا نموده و هویت متعادل و یکپارچه ایشان حفظ، و گسترش شیعه استمرار یابد.

از دیگر اقدامات فرهنگی امامان برای ایجاد چنین جامعه متحد و همبسته‌ای میتوان به تقویت آئین‌های مذهبی اشاره کرد. مشارکت در آئین‌های دینی از مهمترین عوامل تأیید و تشدیدکننده همبستگی درونی دانسته شده زیرا افراد حاضر در این آئین‌های گروهی، در کنار هم، دست به کنش‌های واحدی میزنند و تفاوتی میان خود و دیگران نمی‌بینند. مهمترین نمادهای مذهب شیعه عبارتند از: ۱- مراسمات مذهبی، ۲- زیارت.

ارتباط تفاهمی و پذیرش تفاوت دیگران، مهمترین پایه ارتباط انسان‌ها، عامل آسانتر شدن زندگی همگانی و مبنای برون‌رفت از کثرت‌های موجود در زندگی جمعی هست. به تعبیری؛ پیشرفت جامعه در پرتو اقتدار و اقتدار جامعه مشروط به همگرایی است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد؛ رهبران شیعه که کرامت ذاتی انسان‌ها را صرفنظر از اعتقاداتشان ارزشمند دانسته و ایشان را برادران و خواهرانی از یک پدر و مادر و اعضای یک خانواده بزرگ بشری میدانستند تلاش‌های جدی برای پیشگامی در هم‌افزایی درازمدت با دیگر فرهنگ‌ها و تحکیم پیوندهای اجتماعی و اعتدال مذهبی داشتند. چنین تصور می‌شود رهبران شیعه با ترویج این روش اخلاقی و انسانی، برای آسانی در روابط متعادل اجتماعی، جایگاه اجتماعی ممتازی برای شیعیان رقم زدند، تا از رهگذر آن بتوانند دیگران را به باورهای شیعه آشنا و بلکه نزدیک نمایند، یا حداقل از زیان‌های بزرگتر پیشگیری نمایند.

در پایان اگر چه اقلیت شیعه امامی، در برابر همراهی اکثریت هوادار حکومت، برای بقای خود با هجمه‌هایی بنیان‌برانداز مواجه بود، اما بر خلاف انتظار تفکر حکومت که مصمم به هضم تدریجی ایشان در قدرت غالب بودند، تفکر شیعی به حیات رو به پیشرفت خود ادامه داد، به گونه‌ای که اکنون دومین مذهب بزرگ اسلامی هست. رهبران شیعه که هرگز فرصت‌ها را تمام شده نمی‌دانستند، تعیین سرنوشت خود را به دیگران واگذار نکرده و با ترسیم راهبردی فرهنگی، توانستند از فراز و نشیبهای روزگار عبور کرده، منزلت پیروانشان را ارتقاء بخشیده و حضور فعال ایشان در فرصتهای جدید را برای آینده‌ای بهتر برنامه‌ریزی و ایشان را به جامعه‌ای پویا تبدیل نمایند.

رهبران شیعی، با توجه به موقعیت‌های متفاوت، رفتارهای مختلف تعاملی، رواداری و تقابلی را برگزیدند. هر چند ایشان در برابر مستکبران از رفتارهای تقابلی استفاده می‌نمودند اما در برخورد با مستضعفان فکری و توده مردم، بیشتر از رفتار تعاملی استفاده نمودند. یکی از منابع اساسی استمرار حیات شیعه، در «سازواری اجتماعی» نهفته است. این راهبرد با دو بال همبستگی درونی و همگرایی بیرونی، به مثابه قدرت نرم و عامل انسجام اجتماعی به نسبت سایر متغیرها، تأثیر ساختاری بر قابلیت پرواز تشیع برای وصول به پایداری مطابق با شرایط جدید داشته است. اتخاذ راهبرد سازواری اجتماعی، افزون بر

پیشگیری از تضعیف و طرد شیعیان، صیانت از فرهنگ شیعه و افزایش ضریب اعتماد متقابل؛ میتوانست زمینه ساز تاثیر بر فرهنگ مقابل گردد.

امامان شیعه با نهادینه سازی انسجام درونی شیعیان، ضمن کسب اقتدار اجتماعی خود، پایگاه مناسبی به دست آورده و مورد توجه صاحبان اندیشه قرار گرفتند، دامنه تاثیر آنان طیف گسترده ای از جامعه را در بر گرفته و زمینه تمایز بیرونی و خود اتکائی شیعیان را فراهم آورد. همچنین با تجویز فعالیت های جمعی در کنار ارتباطات گسترده و نهراسیدن از مواجهه با افکار متفاوت، صلاحیت بیرونی شیعیان را اثبات کرده و اسباب مهار خسارتها و ایجاد صلح، امنیت و اقتدار بیشتر ایشان در قلب بحرانهای مختلف را فراهم نمودند، تا با افزایش امیدواری اجتماعی، به بخشی از حقوق از دست رفته شان دست یابند.

کار بست گفتمان نرم سازواری اجتماعی، امامان را از کانون های مرجع به شمار آورده و دیگر سیاستهای ایشان را نیز مورد پذیرش جامعه قرار داد و در استواری منظومه فکری شیعه نقش فرازمندی ایفا نمود، به گونه ای که پیشرو بودن فرهنگ شیعه را همگانی ساخت تا شیعیان به نقش آفرینی خود باور و پیام رهبران شان را در مرزهای زمانی و مکانی جدید منتشر نمایند. اگرچه راهبردهای امتدادیابی حیات شیعه منحصر به حاکمیت سازواری اجتماعی نیست، اما بی تردید مجهز نبودن به چنین سرمایه ای، به انزوا و بلکه حذف شیعه می انجامید، چنانکه فرقه هایی که از این اندیشه فاصله گرفتند، به ورطه نابودی افتاده و جز نامی از آنها باقی نماند.

پس از ارائه تفصیلی حجت الاسلام دکتر محمد دوست، ناقد اول استاد ناصر باقری بیدهندی در مقام طرح برخی اشکالات به بیان مطالب زیر پرداخت:

- موضوع بحث بسیار پرجاذبه و کاربردی است.
- نویسنده محترم با تدبر و تحقیق خوبی که داشته اند هم در پایان نامه و هم در مقاله کار بسیار خوب و در خور تحسینی را ارائه داده اند.
- واژه سازواری با هم زیبایی دارای ابهام است و در عنوان و متن مقاله ابهام ناپستی باشد.
- در موضوع سازواری و مدارای اجتماعی بزرگنمایی شده است، عوامل زیادی هست که در استمرار حیات شیعه نقش زیادی داشته اند.
- اشارات سازواری به همه عوامل موجود بوده است.
- دوراهکار برای سازواری ارائه شده که ۱- تقویت همبستگی درونی و ۲- تقویت همگرایی بیرونی است. در بخش اول نهاد وکالت و نظام مالی منظم را آوردید که بسیار خوب است اما سوال بنده این است که اینها قسیم همدیگر هستند یا قسم هم هستند، که در این قسمت کم کاری شده و بهتر است که بیشتر کار شود. در همگرایی بیرونی اینها کمتر هست که بایستی بیشتر کار شود.
- نقش مناظرات باید پر رنگ تر ارائه شود.

- نقش اخلاق خوب مسلمانان نیز پر رنگ تر ارائه شود.
- پیشینه مقاله را نیز میتوان قوی تر و غنی تر کرد.

در ادامه جلسه، نوبت به ارائه مطالب و نقد ناقد دوم رسید که دکتر رمضان رضایی به موارد زیر پرداختند:

- ابهام در واژه ها، عدم امکان شمولی برای واژه سازوار
- لازم است در همه اصناف اشاره شود، یعنی تعامل امامان در همه اصناف نه یک عده خاص.
- باید بعد اجتماعی توضیح داده شود.
- نمونه هایی از مراسمات، آیین های مذهبی و ... اشاره شده است که جزو خوبی های مقاله هست اما دارای ضعف هایی نیز هست، چون برای خیلی از ائمه نتوانسته اند که پیدا کنند.
- با توجه به نیازهای روز جامعه، در دوره های مختلف تشکیلات و واژگان معنای خاص خودش را دارد.
- شیعه گری در جهان اسلام را بایستی به آن ورود شود. اندلس و ...
- بخش های مختلف باید مجزا آورده شود.
- چکیده دارای اشکال است و باید حاصل مقاله باشد.
- منابع باید قوی تر باشد.
- روش علمی مقاله استاندارد نیست.

در انتهای جلسه نیز ضمن طرح پرسش های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین، ارائه دهنده به انتقادات و سؤالات پاسخ داده و با جمع بندی مدیر کرسی، جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل طاهرینش به پایان رسید.